ملاک‌های تشخیص و راه‌های مقابله با تحریف شخصیت و سخنان امام خمینی قدس‌سره

حجت‌الاسلام‌والمسلمین ابوالحسن بکتاش

امروز با وجود پیشرفت‌های فراهم آمده نسبت به دسترسی به اطلاعات و منابع، در وضعیت کنونی تحریف‌های فراوانی در ارائه اطلاعات و انتقال پیام‌ها در عرصه رسانه‌ها وجود دارد که به جرئت می‌توان گفت؛ تحریف‌ها نه‌تنها کاهش نیافته؛ بلکه شیوه تحریف تغییر کرده و به‌عبارتی مدرن شده است؛ چراکه عرضه انبوه اطلاعات و گستردگی آن، می‌تواند روی حقایق و واقعیت‌ها را بپوشاند و توجه ذهن حقیقت‌جو را دچار رهزنی کرده و آن را از درک واقعیت‌ها ناتوان نماید.

تحریف یکی از ابزارهای دشمنان اسلام در طول تاریخ بوده است و مناسب‌ترین هدف برای این کار، جوانان هستند؛ چراکه چارچوب فکری جوان در دوران جوانی هنوز درحال شکل‌گیری است و تحریف مانند ویروسی است که به جان ذهن، قلب و اراده جوان می‌افتد و همچون موریانه‌ای از درون آن را می‌خورد و پایه‌های اعتقادی را سست می‌کند.

تحریف به‌معنای عام آن یعنی دگرگون سازی گفتار، نوشتار، اندیشه، عمل و شخصیت تأثیرگذار که دارای اقسامی است و مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: ۱. تحریف لفظی؛ ۲. تحریف معنوی؛ ۳. تحریف عملی؛ ۴. تحریف مواضع.

• **تحریف لفظی:** منظور از تحریف لفظی، همان تغییر کلمات و جمله‌هایی است که از گوینده صادر گردیده؛ به‌گونه‌ای کاهشی، افزایشی و موضعی انجام شود. مقصود از تحریف کاهشی این است که تحریف‌کننده با حذف بخشی از نوشتار و یا گفتار، به تغییر مفاد سخن بپردازد و مقصود از تحریف افزایشی این است که تحریف‌کننده با افزودن جمله‌ای، کلمه‌ای و یا حتی یک حرف، به نوشته و یا گفته فرد، مضمون آن را دگرگون کند و معنای مطابق اندیشه خود را در آن جاسازی کند و مراد از تحریف موضعی، جابه‌جایی کلمه‌ها و جمله‌هاست که تحریف‌گر به‌جای افزودن از حجم سخن یا کاهش آن، با تصرف در ترکیب جمله و ساختار و احیاناً تغییر اندک، همانند تقدیم و تأخیر در آن، سعی می‌کند به هدف خود؛ یعنی وارونگی آموزه و پیام متن برسد.

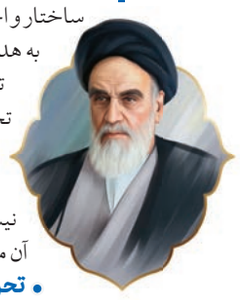

تحریف معنوی: مراد از تحریف معنوی این است که تصرف تحریف‌کننده در نوشته و گفتار به‌گونه‌ای باشد که در عناصر لفظی و بیان هیچ تغییر و تصرفی انجام نمی‌دهد؛ امّا آن اثر چنان معنی و تفسیر می‌شود که منظور صادرکننده متن نیست و به‌عبارتی می‌توان گفت، منحرف کردن روح و معنای آن می‌باشد.

• **تحریف عملی:** مقصود از تحریف عملی آن است که برخلاف خواسته متن عمل شود. اگر مفاد گفتار و نوشتار امر و عمل است، به ترک و نهی تبدیل می‌شود و اگر نهی و ترک است، به امر و عمل مبدل می‌شود.

درخصوص موضوعی که ما به آن می‌پردازیم، منظور از تحریف امام خمینی، تحریف خط فکری و شخصیت امام است؛ شخصیت امام خمینی قدس‌سره نماد انقلاب اسلامی ایران است. نظرات، روش و واکنش‌های امام خمینی برابر موضوعات مختلف سیاسی و اجتماعی به‌مثابه سرمشق‌های اصلی حرکت مردم ایران و همه مسلمانان جهان محسوب می‌شود. متأسفانه در دوران پس از امام، برخی از افراد، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی برای تحقق اهداف و اغراض خود، به تحریف شخصیت و سخنان امام روی آوردند. ضرورت حفاظت از فرهنگ امام به‌عنوان مهم‌ترین نقشه راهبردی انقلاب اسلامی برای نسل‌های کنونی و آینده بر کسی پوشیده نیست. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مگر شخصیت‌ها را هم می‌توان تحریف کرد؟ تحریف شخصیت‌ها به چه معناست؟ در جواب باید گفت که تحریف شخصیت‌ها، به تحریف ارکان فکری آنهاست، به تحریف منظومه فکری آنهاست، به قلب مفاهیم از معنای اصلی‌شان در معانی فرعی و حاشیه‌ای است؛ هنگامی که ارکان فکری و اندیشه‌ای شخصیتی بزرگ همچون امام خمینی رحمه‌الله، یا مجهول بماند یا غلط معنا شود، قطعاً تحریف صورت گرفته است.

یکی از مهمترین کارکردهای تحریف، از الگو انداختن شخصیت‌هاست؛ هنگامی که اندیشه شخصیتی چون امام، درست معنا نشود و یا حتی برعکس معنا شود، جوان امروز و نسل‌های بعدی، دیگر نمی‌توانند امام را الگوی تام و تمام خود قرار دهند. به‌همین جهت، امام را نباید صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی دانست، بعضی دقیقاً دنبال القای همین هستند. تفسیر آنها از امام، همان شخصیت محترمی است که روزی در تاریخ درخشید، فعال، مفید و پرکار بود، برای ملت خود خدمتی کرد و امروز از دنیا رفته و در جمع ما نیست و ما همه‌ساله وظیفه داریم تا از ایشان تجلیل کنیم.

• مصادیق و نمونه‌هایی از تحریف

۱. یکی از مصادیق و نمونه‌هایی از تحریف تفسیربه‌رأی و قرائت‌های ناصحیح از اندیشه‌های امام خمینی رحمه‌الله می‌باشد؛ به‌عنوان مثال: برخی از تحریف‌گران درصددند، از امام راحل چهره‌ای همراه با تسامح و تساهل ارائه کنند که قائل به اسلام رحمانی و بنا به نقل و قول‌های بی‌پایه، مخالف شعار مرگ بر آمریکا بوده است. آنها به دنبال تحریف رویکرد انقلابی، عدالت‌خواهی و استکبارستیزی امام خمینی رحمه‌الله هستند؛ به‌رغم اینکه سیره امام خمینی رحمه‌الله همواره بر ساده‌زیستی و بی‌رغبتی به تجملات دنیا بوده است، برخی از این تحریف‌گران این وجه را نادیده گرفته و به دنبال این هستند که ادبیات کاخ‌نشینی به جای فرهنگ کوخ‌نشینی بر جامعه حاکم شود و مسئولان به تجملات روی بیاورند.

۲. تمسک به متشابهات (تکرار نوادر بیانات و مواضع امام) و فراموش کردن محکمات اندیشه و رهنمودهای امام خمینی رحمه‌الله از جمله مصادیق تحریف به‌شمار می‌رود؛ چنانکه ادعا و ارائه تفسیر جمهوری‌خواهانه غربی از امام و حذف بقیه ابعاد و اهداف داخلی و جهانی انقلاب اسلامی، از جمله این موارد می‌باشد. عده‌ای تلاش می‌نمایند، تفسیری جمهوری‌خواهانه از امام ارائه دهند که مورد تأیید غرب نیز باشد. بخشی از این جریانات سیاسی، از ۲۱ جلد صحیفه امام قدس‌سره فقط به یک جمله اکتفا می‌کنند که «میزان رأی ملت است» و حتی جمله بعد از آن را نیز سانسور می‌کنند؛ درحالی‌که انقلاب امام رحمه‌الله ده‌ها بُعد و هدف مشخص و اعلام‌شده دارد که از عدم جدایی دین از سیاست تا استکبارستیزی را در بر می‌گیرد. جهانی بودن نهضت، حذف نظام‌های فاسدی که بر پایه صهیونیسم، امپریالیسم و کمونیسم بنا شده‌اند، حمایت از محرومین و مستضعفین در سراسر جهان، اجرای عدالت در جامعه اسلامی، تلاش جهت وحدت امت اسلامی، نفی اشرافی‌گری در حوزه حاکمان، مردم‌سالاری و ... از جمله اهداف امام است. اما نسل سوم و چهارم انقلاب، وقتی اهداف امام را از دهان برخی این جریانات می‌شنود، غیر از «جمهوری» و «دموکراسی» هیچ هدف مشخصی را از امام نمی‌داند. ابعاد فرامرزی امام، توسط برخی افراد و جریانات به‌صورت صد درصد پنهان می‌شود. این جریانات سیاسی از بیست و یک جلد صحیفه امام، فقط به یک جمله اکتفا می‌کنند که «میزان رأی ملت است» و حتی جمله بعد از آن را نیز سانسور می‌کنند.

۳. حذف جنبه‌های انقلابی شخصیت امام، از جمله مهمترین مصادیق تحریف ایشان است؛ چنانکه برخی از افرادی که مدعی نقش‌آفرینی در انقلاب هستند و در حال حاضر از انقلابی‌گری به پراگماتسیم یا واقع‌گرایی محض رسیده یا در بین دو راه مبارزه یا زندگی، زندگی را انتخاب کرده‌اند، امام را طوری تفسیر و معرفی می‌نمایند که نسل امروز گمان می‌کند، امام یک عنصر منفعل، حاشیه‌نشین، تشریفاتی و تزئینی بوده است. حال آنکه ادبیات به‌جامانده از امام نشان می‌دهد که هر قدر امام از صدر انقلاب دور می‌شود، چهره انقلابی‌اش برافروخته‌تر می‌شود. بدون تردید اگر مکتوبات سال ۱۳۶۷ امام را در اختیار یک ادیب قرار دهیم و سن نویسنده را جویا شویم، فردی زیر ۳۰ سال را معرفی خواهد نمود؛ بنابراین امام، انقلابی بودن را «احساسی بودن» نمی‌دانست؛ بلکه وارد شدن به سازش‌های عزت‌سوز را مانع می‌دید و به‌همین دلیل می‌فرمود: «گمان نکنید ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم؛ اما هیهات که سیراب‌شدگان کوثر عاشورا به ملت خود خیانت کنند».

۴. یکی از مصادیق تحریف در بستر ارائه اطلاعات فراتر از مکتوبات و صوت‌های موجود امام خمینی قدس‌سره می‌باشد؛ البته امام راحل، صوت و دست‌خط خود را ملاک و مرجع مراجعه مردم به جهت‌گیری و محتوای اندیشه خود می‌دانند و راه‌های دیگر را بسته‌اند؛ چنانکه ممکن است، برخی در فضای گفت‌وشنود و تبادل و بحث، مطلبی را گفته یا شنیده باشند؛ اما آنچه به عرصه عمومی سرازیر می‌شود، دیدگاه‌های رسمی و علنی امام است؛ بنابراین برخی از نیروهای صدر انقلاب که در چرخه مردم‌سالاری بالا و پایین می‌شوند، به دنبال بر حق بودن مواضع خود می‌گردند و برای مجاب کردن دیگران، مرتب به فضای غیررسمی امام رفت و برگشت دارند و بعضاً اطلاعاتی را ارائه می‌دهند که سامانه فکری جوانانی را که امام را ندیده و از صحیفه ایشان سیراب می‌شوند، به هم می‌ریزند. این روش می‌تواند در ایجاد تردیدها و دوگانگی‌ها مؤثر باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد، افرادی که این‌گونه از امام مایه می‌گذارند یا دنبال اثبات خود هستند و یا در اثبات ناحق شمردن دیگران قدم برمی‌دارند. به هر حال جامع دیدن امام خمینی قدس‌سره اصل مهمی می‌باشد و فراموشی آن، معمولاً توسط کسانی صورت می‌گیرد که امام را طوری تفسیر می‌نمایند تا با نقطه‌ای که خود ایستاده‌اند، هماهنگ شود.

• راه مقابله و جلوگیری از تحریف امام قدس‌سره

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای جهت حفظ راه امام و نیز مقابله با تحریف ایشان می‌فرمایند: «اگر ملّت ایران بخواهد، این راه را ادامه بدهد، باید راه امام بزرگوار را درست بشناسد، اصول او را درست بشناسد، نگذارد شخصیّت امام را تحریف کنند، تحریف شخصیّت امام، تحریف راه امام و منحرف کردن مسیر صراط مستقیم ملّت ایران است. اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملّت ایران سیلی خواهد خورد، اگر شخصیّت امام تحریف شد، بد معرّفی شد، غلط معرّفی شد، همه این خطرات بزرگ متوجّه ملّت ایران خواهد شد؛ اینجاست که خطر تحریف امام به‌عنوان یک هشدار باید در گوش و چشم مسئولان کشور، صاحب‌نظران فکری انقلاب، شاگردان قدیمی امام، کسانی که علاقه به این راه دارند و عموم جوانان، فرزانگان، دانشگاهیان، حوزویان تلقّی بشود».

با دقت در بیانات معظم له درمی‌یابیم که منظور از تحریف امام، تحریف خط فکری و شخصیت امام است؛ سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که مگر شخصیت‌ها را هم می‌توان تحریف کرد؟ تحریف شخصیت‌ها به چه معناست؟ در جواب باید گفت که تحریف شخصیت‌ها، به تحریف ارکان فکری آنهاست، به تحریف منظومه فکری آنهاست، به قلب مفاهیم از معنای اصلی‌شان در معانی فرعی و حاشیه‌ای است. هنگامی که ارکان فکری و اندیشه‌ای شخصیتی بزرگ همچون امام خمینی رحمه‌الله مجهول بماند یا غلط معنا شود، قطعاً تحریف صورت گرفته است.

مقام معظم رهبری فرمودند: «منظومه فکری امام، دارای خصوصیّات کامل یک مکتب فکری و اجتماعی و سیاسی است. اوّلاً متّکی و مبتنی بر یک جهان‌بینی است که این جهان‌بینی عبارت است از توحید. همه فعّالیّت او، همه منطق او مبتنی بود بر توحید که زیربنای اصلی همه تفکّرات اسلامی است؛ همچنین در مکتب فکری امام، ضدّیت با استبداد و ضدّیت با استکبار، حرف اوّل را می‌زند؛ این آن چیزی است که ملّت ایران هم، آن را حس می کرد. ملّت‌های مسلمان دیگر؛ بلکه ملّت‌های غیرمسلمان [هم] آن را حس کردند؛ برای همین این دعوت گسترش پیدا کرد».

هنگامی که اندیشه شخصیتی چون امام، درست معنا نشود و یا حتی برعکس معنا شود، جوان امروز و نسل‌های بعدی دیگر نمی‌تواند امام را الگوی تام و تمام خود قرار دهد. عظمت برخی شخصیت‌ها باعث می‌شود تا فرصت تخریب از دشمن گرفته شود؛ لذا دشمنان آگاهانه به تحریف آن شخصیت روی می‌آورند که البته تأثیرش از تخریب نیز بیشتر است.

بی‌گمان شناخت شاکله اصلی فکر و اندیشه امام و استخراج نقشه راه انقلاب اسلامی، از فکر امام موجب بهره‌برداری حداکثری از این مکتب فکری می‌شود و راه تحریف را سد می‌کند. باید با شناخت این اصول مانع از تحریف آن شویم. در غیر این‌صورت، برداشت از امام، یک برداشت سلیقه‌ای می‌شود. برداشت سلیقه‌ای از امام ممنوع است. اگر هر کسی به میل خود هرچه بخواهد، از امام برداشت کند، باب تحریف باز می‌شود؛ البته عدم برخورد گزینشی با اصول، یکی از موارد مهمی است که در خلال رجوع به بیانات امام قدس‌سره باید در نظر داشت.

به هر حال اصول امام آن دسته از مطالبی است که جزء بینات است و قابل انکار نیست. در طول سال‌های متمادی چه قبل از تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران تشکیل حکومت اسلامی، چه در دوران جنگ تحمیلی هشت‌ساله، چه قبل از آن و چه بعد از آن، این اصول را امام در بیانات خود مدام تکرار کرده است.

• شاخصه‌های اصلی مکتب فکری امام

۱. جهان‌بینی توحیدی: شالوده و زیربنای نظام فکری حضرت امام قدس‌سره در تمامی مراحل زندگی، توحید بوده است. با مطالعه آثار حضرت امام، شاهد جاری بودن روح توحید در تمام مراحل سلوکی ایشان هستیم.

۲. جهاد: با اینکه حضرت امام در اوج قله فلسفه، فقاهت و عرفان ایستاده؛ اما آنچه منظومه فکری ایشان را جهت داده، می‌توان در آیه شریفه: ﴿جاهِدوا فِی‌اللهِ حَقَّ جِهادِه﴾ خلاصه کرد. قطعاً در طول تاریخ و در زمان حیات امام قدس‌سره نیز بودند کسانی که به‌لحاظ علمی جزء وزنه‌های علمی حوزه محسوب می‌شدند؛ امّا تفاوت کلیدی امام با آنان را باید در جایی دیگر جستجو کرد. امام ذوب در جهاد فی‌سبیل‌الله بود. جهاد نه‌تنها به زندگی علمی امام؛ بلکه به تمام شئونات فردی و اجتماعی امام جهت داده بود؛ به‌گونه‌ای که شخصیت اصلی امام را می‌توان در تحقق آیات جهاد در قرآن دانست.

۳. اعتقاد به اراده و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی است: امام از ابتدا معتقد بودند که کار را باید به مردم سپرد. تمرکز قدرت در بین عده‌ای از مسئولان و در جایی خاص را، آفت‌زا می‌دانستند. واگذاری اقتصاد به مردم و تأکید بر نقش نظارتی دولت از جمله بیانات صریح ایشان است.

۴. یکی از اصول مسلم امام خمینی رحمه‌الله، طرفداری از محرومان و مستضعفان و برقراری عدالت اجتماعی است. امام بارها و بارها با اشرافی‌گری و روحیه کاخ‌نشینی و اسراف و بریز و بپاش و استفاده نادرست از بیت‌المال مخالفت کرده و مسئولان را به‌جد از چنین کارهایی بر حذر داشته‌اند. در مقیاس جهانی هم، امام خمینی قدس‌سره دفاع و طرفداری از مظلومین عالم و مخالفت با ظالم را همواره مورد توجه قرار می‌دادند. امام خمینی قدس‌سره از روز اول نهضت از مردم مظلوم فلسطین دفاع کردند و خود را حامی آنان دانستند. همچنین از سایر ملت‌های مظلوم منطقه در افغانستان، لبنان، سوریه، عراق و ... حمایت کردند. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک به‌عنوان روز جهانی قدس، ابتکاری از سوی امام بود که تا امروز دشمن را رسوا و موجب حمایت از مظلومین شده است.

۵. تأکید بر استقلال کشور و ردّ سلطه‌پذیری از جمله دیگر اصول اندیشه امام است. استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملّت. امام با تمام وجود از روز اول به دنبال استقلال کشور بودند و با هر حرکتی که مخل استقلال بود، به‌جد مخالفت کردند. متأسفانه امروز می‌بینیم که برخی نویسندگان و گویندگان در زبان یا در شعار، دنبال آزادی‌های فردی هستند و در روزنامه‌ها و مجلات متعدد این را می‌نویسند؛ امّا همزمان علیه استقلال کشور حرف می‌زنند و قلم‌فرسایی می‌کنند، این یک تناقض است. چطور ممکن است، آزادی فردیِ اشخاص محترم باشد؛ امّا آزادی یک ملّت، آزادی در مقیاس یک کشور در مقابل تحریم‌های مخالفان و بیگانگان محترم نباشد.

با توجه به اصولی که از آن یاد کردیم، می‌توانیم یک شاکله اصلی از مکتب فکری و شخصیت ایشان داشته باشیم که با عنایت به منظومه فکری و شخصیتی امام، جلوی بسیاری از خوانش‌های غلط از شخصیت آن تا حدودی گرفته می‌شود.

• پی‌نوشت

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۹۴/۰۳/۱۴؛

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله ۱۳۹۴/۰۳/۱۴.

تقلیل، تقطیع و تحریف امام خمینی قدس‌سره؛ هدف جریان فقه خوارجی

حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم

ادامه از صفحه قبل

انعطاف بله؛ اما انفعال نه. ما ارزش‌ها را کنار نمی‌گذاریم؛ ولی برای تحقق ارزش‌ها ممکن است، مسیرها تغییر کنند و شاید گاهی مسیرهای کوتاه‌تر و پربازده‌تر انتخاب شوند. خوشبختانه نظام ما تاکنون به همین صورت عمل کرده است. بعد از ۴۳ سال از هرکسی سؤال کنید، این را خواهد گفت که ما هرگز دچار مسیرهای پرهزینه و کم‌فایده نشده‌ایم و عقلانیت حاکم بر نظام ما، امروز هم قابل تأیید است.

اما چرا برخی به این ورطه می‌افتند و این مطالب را مطرح می‌کنند؟ یک جمله کلیدی که مرحوم آیت‌الله شاه‌آبادی بزرگ، استاد حضرت امام رحمه‌الله در همان زمان فرموده بود که «عمده جهل به مرام اسلام است»؛ یعنی ما امروز هم طلبه‌هایی داریم و افرادی هستند که خودشان را اسلام‌شناس و فقیه معرفی می‌کنند؛ اما به مرام اسلام جاهل هستند و دین‌شناسی آنها اشکال دارد و سراغ اسلامی سکولارمآب و لیبرال‌مسلک می‌روند. برای اینها رفاه مادی و درآمد سرانه و آسایش مادی اصل است و معتقدند، تحت هر شرایطی باید مراقب باشیم، این وضع به هم نریزد.

▫ **یعنی در نگاه فقهی و اسلام‌شناسی جمهوری اسلامی، معیشت مردم اهمیت ندارد؟**

• حتماً اهمیت دارد و نظام هم باید دائم بکوشد که معیشت و اقتصاد را ارتقا دهد؛ اما برای این جریان شبه‌علمی، معیشت و اقتصاد اصل و [بلکه همه‌چیز] است و در پس این دیدگاه، نگاهی مادی به اسلام وجود دارد. نوعی نگاه لیبرالی به اسلام؛ چون در لیبرالیسم آنچه اصالت دارد، عیش‌ونوش است؛ آن هم برای یک بخش خاص از جامعه.

باید از اینهایی که دائماً در فکر تحقیر و اشکال نگاه‌های دینی ما هستند و همواره نسخه سازش و تسلیم تجویز می‌کنند، بپرسیم که آیا غرب بعد از ۳۰۰ سال امروز می‌تواند برای جامعه خود و برای همه رفاه، ولو حداقلی، ایجاد کند؟ وضع فقر، بی‌خانمانی و آسیب‌های اجتماعی در این کشورها چگونه است؟ این افکار و اوهام همه از جهل به مرام اسلام سرچشمه می‌گیرد. نوعی محافظه‌کاری و همچنین ساده‌لوحی بسیار خطرناک در میان اینها هست. یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی این بود که چهره نفاق را از صورت استکبار برداشت. امروز برای همه جهان روشن است؛ حتی اروپا نیز می‌داند که آمریکا هدف زورگویی بر جهان و حتی خود اروپا را دنبال می‌کند.

درواقع امروز مردم اینها را تجربه کرده‌اند و کسی نمی‌تواند، با اما و اگر نسخه‌های ساده‌لوحانه بپیچد.

بحث مبارزه با کفر و استکبار امروز کاملاً تجربه عینی ماست. این مطالب یا از سر ساده‌لوحی است یا اغراض سیاسی در کار است؛ یعنی می‌خواهند حرف‌هایی بزنند که فلان جریان سیاسی خوشش بیاید؛ و الاّ این حرف‌ها هیچ مبنای عقلانی و دینی و فقهی ندارد. شهید مطهری رحمه‌الله کلامی حکیمانه دارد با این عنوان که «فتوای فقیه روستایی بوی روستا می‌دهد و فتوای فقیه شهری بوی شهر.»

می‌خواهم بگویم فتوا و برداشت فقهی افراد محافظه‌کار و افراد ترسو، بوی ترس و محافظه‌کاری می‌دهد و برداشت‌های فقهی انسان‌های شجاع و کسانی که در صحنه دفاع از حق هیچ ابایی ندارند، درست است و از متن دین به دست آمده است. عنصر جهاد و عنصر مقاومت در برابر دشمن، از عناصر اساسی دین‌شناسی ماست.

▫ **علاوه بر اسلام‌شناسی به نظر می‌رسد، امام‌شناسی این جریان نیز اشکال دارد. اینها مدعی‌اند فقه امام خمینی رحمه‌الله چنین و چنان است و راه امام چنین و چنان؛ اما نظرات فقهی‌ای که مطرح می‌کنند، نسبتی با فقه ایشان ندارد...**

• این جریان مدعی فقه، نه‌تنها به چهارچوب‌های فقاهتی جهل دارند؛ بلکه به مرام اسلام نیز جهل دارند. اشکال این آقایان درواقع به خود امام رحمه‌الله است؛ اگرچه ادعای خط امام دارند. قبل از انقلاب هم، همین‌ها را مطرح می‌کردند و می‌گفتند: چه کسی جواب این خون‌ها را خواهد داد؟ امام رحمه‌الله فرمودند: من جواب می‌دهم. اگر قرار بود، امام رحمه‌الله در دوره دفاع مقدس لحظه‌ای مثل این آقایان بیندیشد، قطعاً امروز ایران را از دست داده بودیم.

امام بود که فرمود: جنگ جنگ تا پیروزی. آن‌زمان هم‌فکران همین آقایان می‌گفتند که این شعار خشونت‌بار است. متأسفانه این آقایان امروز نماینده طیفی شده‌اند که در دهه اول انقلاب هم، امام رحمه‌الله و انقلاب را به چالش می‌کشیدند و دل امام را خون می‌کردند. حالا امروز همین‌ها دم از امام رحمه‌الله می‌زنند.

خواهش من از اینها این است، امام را کنار بگذارند و حرف خود را صریح بزنند. امام رحمه‌الله را تقطیع نکنند. امام رحمه‌الله فقیهی شجاع و انقلابی بود که فقهی انقلابی ارائه کرد. شاگرد بزرگ امام، شهید بهشتی رحمه‌الله می‌گفت که «از امروز به بعد، فقیه و مفتی و مرجع تقلید هم، باید انقلابی باشد تا ما به فتوایش عمل کنیم.» ایشان به شرایط مرجع تقلید علاوه بر مرد بودن و عاقل و فقیه بودن، انقلابی بودن را هم اضافه می‌کند؛ شهید بهشتی که این آقایان در نگاه آزاداندیشانه، عقلانیت، تدبیر، جهان‌شناسی و... به گرد پای او هم نمی‌رسند. بنابراین، اولاً دین‌شناسی این جریان مدعی فقاهت، ضعیف و انحرافی است و ثانیاً جهان‌شناسی آنها ضعیف است و واقعیات جهان امروز را درک نمی‌کنند. بنابراین به حرف‌هایی سست و فرعی در فقه متوسل می‌شوند. این جریان شبه‌علمی دنبال تقلیل امام، تقطیع امام و تحریف امام است. متأسفانه در ذهن مخاطبان خود چهره‌ای مشوه و متناقض از امام رحمه‌الله ارائه می‌دهند؛ جوان امروز ما می‌داند که امام انقلاب کرده است. می‌داند که امام برای انقلاب هم، خود را در معرض شهادت قرار داد و هم، عده زیادی شهید شدند. امام از شهادت استقبال می‌کرد.

امام زمانی توسط هم‌فکران همین آقایان متهم شده بود که جوانان را به کشتن می‌دهد؛ اما امام قبل از اینکه فقیه باشد، یک اسلام‌شناس و مؤمن بود، قبل از اینکه دانش فقه برای امام مهم باشد، مؤمن به اسلام ناب بود. فقه، کلام، اصول، عرفان و تفسیر در نگاه امام، چهارچوب‌ها و ابزارهایی علمی برای تحقق دین بودند. اگر اینها فقط یک‌بار فرمایش‌های امام در سال اول پس از انقلاب را بخوانند، می‌بینند که مهم‌ترین دغدغه امام اسلام است و می‌فرماید که ما باید فدای اسلام بشویم؛ همان‌طور که امام حسین علیه‌السلام فدای اسلام شد. بله، فدا شدن به‌معنای بی‌گدار به آب زدن نیست.

اگر امام می‌خواست، بی‌گدار به آب بزند، حرکت‌های مسلحانه‌ای را که برخی هم‌فکران قدیمی این دوستان تأیید می‌کردند، می‌پذیرفت؛ اما امام رحمه‌الله هیچ‌گاه تحت تأثیر فضای تبلیغاتی داخلی و خارجی قرار نگرفت و با دین‌شناسی درست خود حرکت کرد.

منبع: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی